

بقلم آقای دکتر محمد معین

استاد دانشگاه تهران

بلیناس حکیم

۲

هم نظامی در هفت پیکر، در وصف « سمنار » معمار میگوید:

چون بلیناس روم صاحب رای
هم رصد بند وهم طلسم گشای
در فرهنگهای پارسی ذیل « آذر همایون » آمده: « نام ساحره ای از نسل سام که خدمت
آتشکده اصفهان میکرد و ذوالقرنین او را به بلیناس حکیم داد و بدین سبب بلیناس راجادوگر
میگفتند ۲. منشأ این افسانه اسکندرنامه نظامی است ۳:

بهاری کهن بود چینی نگار
سی خوشتر از باغ در نوبهار
بآیین زردشت و رسم مجوس
بخدمت در آن خانه چندین عروس
همه آفت دیده و آشوب دل
ز گل شان فرورفته در پابگل
در او دختری جادو از نسل سام
پدر کرده آذر همایونش نام
چو بر خواندی افسونی آن دلفریب
زدل هوش بردی ز دانا شکیب
بهاروتی از زهره دل برده بود
چو هاروت صد پیش او مرده بود
سکندر چو فرمود کردن شتاب
بدان خانه تا خانه گردد خراب
زن جادو از هیکل خویشتن
نمود اژدهایی بدان انجمن
زیم وی افتان و خیزان شدند
بنزد سکندر گریزان شدند
که هست اژدهایی در آتشکده
چو قاروره در مردم آتش زده
کسی کو بدان اژدها بگذرد
همان ساعتش یا کشد، یا خورد
شه از راز آن کیمسای نهفت
ز دستور بر سید و دستور گفت
بلیناس داند چنین رازها
که صاحب طلسم است بر سازها
بلیناس را گفت شاه این خیال
چگونه نماید با بدسگال؟
خردمند گفت: اینچنین پیکری
ندانند نمودن جز افسونگری
اگر شاه خواهد شتاب آورم
سر اژدها در طناب آورم
جهاندار گفت: اینت پشیماره ای
برو گر توانی بکن چاره ای.
خردمند شد سوی آتشکده
سیاه اژدها دید سر بر زده
چو آن اژدها در بلیناس دید
ره آبیگینه بر الماس دید

۱- هفت پیکرس ۵۹ - ۲- برهان قاطع - لغت نامه دهخدا - ۳- شرفنامه ص ۲۴۲-۲۴۵.

برانگیخت آن جادوی نا شکیب
 نشد کارگر هیچ بر چاره ساز
 هر آن جادویی کآن نشد کارگر
 بچاره گری زیرک هوشمند
 بوقتی که آن طالع آید بدست
 بفرمود کس آرند لغتی سداب ۴
 بیک شعبده بست بازیش را
 چو دختر چنان دید کآن هوشمند
 بیایش در افتاد وز نهار خواست
 بلیناس چون روی آن ماه دید
 بز نهار خویش استواریش داد
 پر بروی را برد نزدیک شاه
 و گر خدمت شاه را در خور است
 چوشه دید رخسار آن دلفریب
 بلیناس را گفت کاین رام نت
 بایناس بر شکر تسلیم شاه
 پر بروی را بانوی خانه کرد
 بر آموخت زو جادویها تمام

بسی جادویهای مردم فریب
 سوی جادوی خویشتن گشت باز
 بجادوی خود باز پس کرد سر
 فسون فساینده را کرد بند
 کزو جادویی را در آید شکست
 بر آن اژدها زد چو بر آتش آب
 تنه کرد نیرنگ سازیش را
 ز نیرنگ آن سحر بگشاد بند
 با زرم شاه جهان بار خواست
 تمنای خود را بدو راه دید
 ز جادو کشان رستگاریش داد
 که این ماه بود اژدهای سیاه...
 مراهم خداوند وهم خواهر است
 بر آراسته ماهی از زر و زیب
 سزاوار می خوردن جام تست ...
 رخ خویش مالید بر خاک راه
 بری چند ازین گونه دیوانه کرد
 بلیناس جادوش از آن گشت نام .

علاوه بر آنچه گفته شد در تاریخ قم، فصل هفتم (چاپ آقای طهرانی س ۸۶-۸۸)
 شرح طلسم بستن بلیناس در قم آمده و نیز نام بلیناس در کتب طبی یاد شده چنانکه حکیم مؤمن
 ذیل « ارنب بری » از او نقل کند ۵ .

اکنون بساید دانست که بلیناس کیست و هویت او چیست ؟ مؤلف
بلیناس کیست ؟
 قاموس الاعلام ترکی ، بلیناس را همان پلین ۶ (پلینیوس) مشهور
 داند ۷ و ترجمه حال وی را بترجمه پلین ارجاع کرده است . جانسن مؤلف فرهنگ فارسی ،
 عربی بانگلیسی نیز بلیناس را بر پلینی ۸ (پلینیوس) منطبق کند ۹ و هر بلو ۱۰ هم بهمین عقیده بود .
 پلینیوس ۱۱ - دو پلینیوس در جهان علم و ادب شهرت دارند : پلینیوس قدیم یا کبیر - پلینیوس
 جوان برادرزاده پلینیوس بزرگ . دومین ادیب رومی است که بسال ۶۲ میلادی در کومه ۱۲
 متولد شده و با طرایانوس ۱۳ دوست بود و او مؤلف « مدیحه طرایانوس » ۱۴ و نامه های مشهور
 است و وفات وی بسال ۱۲۰ میلادی اتفاق افتاده است .

۴- سداب تخم گیاهی است که برای دفع جادو بعقیده پیشینیان سودمند بوده (وحید) .

۵- چاپ ۱۲۷۷ ص ۸۰ ، ۶- Plin - ۷- ذیل : بلیناس . ۸- Pliny

۹- F. Johnson, Dictionary. Persian, Arabic and English. London, 1852 .

۱۰- Herbelot. - ۱۱- Plinius. - ۱۲- Cômê. - ۱۳- Trajanus. - ۱۴- Panêgurikos

اما پلینیوس بزرگ (۲۳ - ۷۹ میلادی) دانشمند و نویسنده رومی، تعداد تألیفات وی از ۱۶۰ تجاوز میکرده ولی از آن جمله فقط کتابی جسیم موسوم به «تاریخ طبیعی» ۱۵ بجای مانده است مشتمل بر سی و هفت جزء که شامل دائرة المعارفی است از جغرافیا و ملل و اقوام آدمی و جانوران و گیاهان و انواع داروهای نباتی و حیوانی و معادن و غیره .

اما صفاتی که برای بلیناس یا بلینوس (و محرفات آن) شمرده شده مانند : مطلقاً، ساحر، مهندس؛ بر پلینیوس صادق نیست و علت عمده تطبیق بلینوس و پلینیوس، همان تشابه اسمی است و بهمین لحاظ نسخه ای که بنام «راز آفرینش» ۱۶ بنام بلیناس در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است، سابقاً به پلینیوس نسبت داده میشد، ولی چون مؤلف در آن کتاب گفته است که اصل وی از طوایه ۱۷ است و این کلمه قطعاً مصحف طوایه ۱۸ است که همان تیان ۱۹ باشد، بنابراین شکی نمیاند که مؤلف آن اپولونیوس طوایه ۱۸ است .

اپولونیوس طوایه ۱۸ سیلوستر دسائی وحدت بلیناس و اپولونیوس را نخستین بار اثبات کرد و نشان داد که این نام اولین دفعه در ادبیات عرب، در یکی از مؤلفات هر مسی ۲۱ متعلق بهمدی کهن، یاد شده. نام این تألیف طبق نسخ خطی

Απολλώνιος

موجود «کتاب الجامع للاشیاء» ۲۲ یا «کتاب الملل» ۲۳ و یا «کتاب سر الخلیفة و صنعة الطبیعة» ۲۴ است . بسیاری از محققان اروپائی مانند دکتر لکلر ۲۵، شتین شنیدر ۲۶، ناوی ۲۷، گت هیل ۲۸،

- ۸۵ - Naturalis Historiae. - ۸۶ - Du secret de la Création. - ۸۷ - Tuwâya.
- ۸۸ - Tuwâna. «طوایه بضم اول شهرست در ثغور مصیبة.» (معجم البلدان) - ۸۹ - Tyane (بفرانسه). - S. de Sacy. Le Livre du Secret de la Création, par le Sage Bélinous, dans 'Notices et extraits', t. IV (an 7 = 1790), p. 107 - 158.
- ۲۱ - Hermetique. - ۲۲ - چنانکه در نسخه لیدن ۱۷۰۷ چنین آمده، در نسخه قاهره «حکمة» ۳۵۱ : کتاب الحاوی بالاشیاء. - ۲۳ - بقول روسکا ص ۱۲۴؛ نسخه گتیا Gotha ۸۲، دارای عنوان «تکوین الخلق و علل الاشیاء» است. - ۲۴ - چنانکه در نسخه اوپسالا Uppsala ۳۳۶ (رك : روسکا ص ۱۲۵) آمده، نسخه قاهره «حکمة» ۳۵۱ سه عنوان ذیل را جمع کرده است : کتاب سر الخلیفة و صنعة الطبیعة و هو کتاب الملل الجامع للاشیاء. ما وضعه بلینوس الحکیم صاحب الطلسمات و المعجائب. - Dr. L. Leclerc. De l'identité de Balinas et d'Apollonius de Tyane, dans J. A. S. VIe série, t. 14 (1869), p. 439 - 440; Histoire de la Médecine Arabe. Tome Ier. Paris 1876. p. 211-215.
- ۲۶ - M. Steinschneider. Apollonius von Thyana (oder Balinas) dans ZDMG. XLV, 1891, p. 439-440.
- ۲۷ - Fr. Nau. Une ancienne traduction latine de Bélinous arabe (Apollonius de Tyane) dans 'Revue de l'Orient Chrétien', 1907, p. 99-100.
- ۲۸ - Gottheil, Apollonius of Tyana, dans ZDMG, XLVI (1892), 466-470.

روسکا^{۲۹} و پلسنر^{۳۰}، تحقیقات دسائی را تعقیب کردند و همه متفق شدند که بلیناس همان اپولونیوس است و آنان کوشیدند که پرده از اسرار کتاب مذکور بردارند ولی به قصد نرسیدن، پس از دانشمندان مزبور پاول کراوس در کتاب « جابر بن حیان » تحقیقاتی سودمند درین باب آورده است^{۳۱}. کراوس گوید^{۳۲}: « در آثار جابر نام بلیناس حکیم آمده است^{۳۳} و این نام جز صورت محرف اپولونیوس، نیست؛ بدون شك به قصد همان « اپولونیوس طوانه » حکیم فیثاغوری جدید است. در آثار جابر علاوه بر بلیناس^{۳۴}، گاه بلینوس^{۳۵} نیز دیده میشود. در نسخ کتاب « سر الخلیفة » این دو شکل بطور تساوی یاد شده. صحیح آنست که این دورا بصورت بلیناس^{۳۶} و بلینیوس^{۳۷} تصحیح کنند و یا لا اقل بلیناس (فتح اول و سکون دوم و فتح سوم) تلفظ کنند. شکل اخیر از نسخه خطی کتاب « جوامع العلوم » بدست آمده که نوعی دائرة المعارف است تألیف یکی از شاگردان ابوزید بلخی و مورخ بسال ۳۹۶ هجری است. »^{۳۸}

اپولونیوس از فیثاغوریان جدید و آخرین مبلغ و نماینده آیین شرك که بعزت و رواج مسیحیت در شرف احتضار بود، محسوب میشود و هدف وی آن بود که با تغییراتی در آداب و افکار آیین شرك را از زوال حتمی نجات بخشد. اپولونیوس در زمان حیات خویش چندان مورد احترام بود که ستایش او با خرافات توأم شده بود و سه چهار قرن پس از مرگ، وی را همرتبه خدایان میستودند. اهالی زادگاه اپولونیوس، برای او معبدی ساختند و در جاهای دیگر تصویرش را در جنب خدایان جای دادند، نام او را یاد میکردند بامید آنکه کراماتی از وی سرزند یا از حمایت آسمانی او برخوردار شوند. امپراطوران در جستجو بودند تا کوچکترین اقوال و کمترین آثار زندگانی ویرا بدست آورند و غنیمت شمارند. يك نویسنده تاریخ فلسفه او را خدایی میدانند که بزمین فرود آمد. آخرین مدافعان مذهب شرك همواره او را در برابر عیسی- که با وی معاصر بود - علم کرده اند.

در میان این همه ابراز علاقه تشخیص حقیقت بسیار مشکل است، مخصوصاً ترجمه احوال اگر توجه شود که آثار اپولونیوس بهمان رسیده است، چه ۸۴ نامه و مدیحه ای بنام دومطیانوس (دمیسین) که بنام او باقی است، اصالت آنها کلمی مورد شك است.

۲۹- J. Ruska, Tabula Smaragdina, ein Beitrag zur Geschichte der hermetischen Literatur, Heidelberg, 1926, notamment p. 122 et suiv.

۳۰- M. Plessner, Neue Materialien zur Geschichte der Tabula Smaragdina, dans 'Der Islam', XVI (1928), p. 77-113.

۳۱- Paul Kraus, Jâbir ibn Hayyân, vol. II, p. 270 sqq. (Mémoires présentés à l'Institut d'Égypte, t. 45) Le Caire, 1942.

۳۲- Ibid, p. 270. ۳۳- Ibid, p. 196 sqq. ۳۴- Balnâs ۳۵- Balnûs

۳۶- Balaniyâs ۳۷- Balaniyûs ۳۸- P. Kraus, p. 274, note.

ترجمه حال اپولونیوس پس از ۱۲۰ سال بعد از مرگ وی توسط فیلوستر اتوس^{۳۹} و بدستور ملکه بولیا^{۴۰} زوجه سوروس^{۴۱} - که فیلسوف مزبور علاقه و ایمان کامل داشت - نوشته شده است. منابع فیلوستر اتوس چه بوده؟ چنانکه خود او گوید، منابع وی روایات عجیب روحانیان، اساطیری که در معابد محفوظ مانده بود، دو مکتوب مبهم، خاطرات دامیس^{۴۲} (امروزه در دست نیست) که مردی ساده لوح و محدود فکر بود و بخش مهم زندگانی خود را با اپولونیوس گذرانیده، و با او بکلده و هند رفته بود. دامیس در نوشته های خود زکرامات و خرق عادات چیزی نقل نکرده است. با اینهمه آنچه را که میتوان قریب بحقیقت در باره حیات و عقاید او بدست آورد، در ذیل نقل میکنیم:

وی در زمان سلطنت اغسطس^{۴۳} در آغاز قرن اول میلادی، از یک خانواده ثروتمند و بنام درطوانه، کرسی کاپادوکیه متولد شد. در سن چهارده سالگی، بدر اپولونیوس او را به طرسوس^{۴۴} فرستاد تا آنجا تحت هدایت اوذودیمس^{۴۵} فنیقی، صرف و نحو معانی و بیان بیاموزد؛ اندکی بعد، وی با اکسنس^{۴۶} فیلسوف دیدار کرد و این دانشمند، حکمت فیثاغوری را بدو تعلیم کرد. اپولونیوس، کردار استاد مزبور را با گفتار و دروس وی منطبق نیافت، پس او را ترک کرد و از آن پس خود فیثاغورس را در همه امور سرمشق خویش قرار داد. بالنتیجه، از آن زمان تا هنگام مرگ با کمال زهد روزگار میگذرانید، از گیاهان تغذیه و از اغذیه حیوانی کاملاً برهیز میکرد، از باده گساری دوری میجست، از زنان احترام میگرد، بر بستر خشن میخوابید، پای برهنه راه میرفت، موهای خویش نمی شست، هر گز جامه ای جز بشپین نمی پوشید و اموال خویش بفقراء می بخشید. اپولونیوس از عهده آزمایشی طاقت فرسا که عبارت از سکوت و صمت در مدت پنج سال بود، برآمد. گویند این عمل در زمانی انجام شد که وی سفرهای خویش را آغاز کرد. او بر تیب در پامفیلیه و کیلیکیه و انطاکیه سیاحت کرد، و چون میخواست که منابع افکار فیثاغوری دست یابد، بمشرق شتافت و مدت چهار سال در بابل بماند و با مغان مذاکره و مباحثه کرد و از آنجا بققازیه شد و سپس بهند سفر کرد و در آن سرزمین بابرهمنان تماس یافت و در آیین ایشان مطالعات کرد؛ و همچنین در اقطار حبشه، مصرعایا، یونان و ایتالیا بسیاحت پرداخت. وی بروم رفت تا - چنانکه خود میگفت - به بیند که یکتن جبار^{۴۷} چگونه جانوریست؟ در روم دختری جوان را که مردم مرده می پنداشتند زندگانی بخشید، ولی این کار با فرمان نرون امپراتور (۵۴-۶۸ م) مصادف شد که بدلول آن ساحران را تبعید میکردند، ازیشرو وی را نیز تبعید کردند و او همچون پیامبری سیاح در ایالات مختلف امپراتوری روم بسیاحت پرداخت. و سفاسیانوس (و سپازین) امپراتور (متوفی بسال ۷۹ م) با او بمنزله هاتف و سروش مشورت میکرد. دومطیانوس (دمیسین) امپراتور (۸۱-۹۶ م) بفرمود تا موی سر و ریش او بسترند. اپولونیوس بخنده گفت: انتظار

۳۹- Philostratos . ۴۰- Julia . ۴۱- Severus . ۴۲- Damis . ۴۳- Augustus .

۴۴- Tarsos . ۴۵- Euthydemos . ۴۶- Fuxenos . ۴۷- Tyran .

نداشتم که موی سروریشم در معرض خطر افتد. همین بذله گوئی موجب شد که او را شکنجه کنند و وی با کمال شجاعت آنرا تحمل میکرد.

اپولونیوس همواره با خود بتعلم مشغول بود و با برون کردن افکار دیگران می-پرداخت و میکوشید که رفتار او بر کردار روحانیون و کشیشان رجحان داشته باشد. در همه سفرها افتخارات بسیار کسب کرد و همه جا او را با نهایت اعزاز و احترام پذیرفتند. وی طغیان نواحی مختلف را خاموش میکرد. گویند روزی در حین تدریس در مجلس عام، با قیافه ای حیرت زده فریاد برآورد: « این جبار ظالم را بزنید! این جبار ظالم را بزنید! » آنگاه گفت همین دم دومیطیانوس را کشته اند. این پیشگویی تحقق یافت، برای تملیل این داستان میتوان گفت که اپولونیوس در توطئه ضد دومیطیانوس دست داشته است، اما چون فاصله جایگاه اپولونیوس از محل وقوع حادثه ۴۰۰ فرسنگ بوده، این قول افسانه بنظر میرسد. چنانکه گفتیم و سفاشیانوس (و سپازین) امپراتور با اپولونیوس

عظمت اپولونیوس

بمنزله هاتف و سروش مشورت میکرد. سزی که مرگ او را نپنهان داشت، بر خرافاتی که هاله وار وی را احاطه کرده بود، افزود زیرا بنظر میرسد که اپولونیوس پس از عمری دراز، ناگهان زمین را ترک گفته است بدون آنکه توانسته باشند آخرین ایام عمر وی را نحوه مرگ او را دریابند.

برخی وفات او را در افسس ۴۸ سال ۹۷ میلادی در زمان سلطنت نروا ۴۹ دانسته اند. اپولونیوس در آن شهر مکتبی فیثاغوری ایجاد کرده بود.

اپولیوس ۵۰، اپولونیوس رادر دیف موسی و زرنشت قراردادده است. دیو کاسیوس ۵۱ که مورد تشویق بولیا دمننا ۵۲ قرار گرفته بود در «تاریخ» خود ۵۳ میگوید که کارا کالاه ۵۴ امپراتور (۲۱۱-۲۱۶ م) پرستشگاه یا بنائی بیادگار حکیم مزبور برپا کرد. لامپریدیوس گوید ۵۵ که الکساندر سوروس امپراتور روم (۲۲۲-۲۳۵ م)، اپولونیوس را با مسیح، ابراهیم و ارفاوس ۵۶ در میان خدایان کاخ خویش جای داده بود ۵۷. وپیس کوس گوید ۵۸ آنگاه که اریلیانوس امپراتور (۲۷۰-۲۷۵ م) طوانه زادگاه اپولونیوس را محاصره کرده بود، اپولونیوس بدو ظاهر شد و بالنتیجه امپراتور نذر کرد معبدی برای او برپای سازد. فروریوس و یامبلیقوس ۵۹ او را یکی از مآخذ خویش در تألیف «حیات فیثاغورس» یاد کرده اند.

۴۸- یا : افسوس Ephesos . ۴۸- Nerva . ۵۰- Apuleius . ۵۸- Dio Cassius .

۵۲- Julia Domna . ۵۳- . 18 . 1XXVII . ۵۴- Caracalla .

۵۶- Orpheus . ۵۵- Lampridius, Life of Alexander Severus, XXIX .

۵۷- B. Russell, History of Western Philosophy, p. 304 .

۵۸- Vopiscus, Life of Aurelian, XXIV . ۵۹- Iamblichus .

جالب توجه است که هیروقلیس ۵۹، کنسول مقدم بیثینه ۶۰ در عهد دیوقلیانوس ۶۱ در انتقاد ادعاهای مسیحیان، کرامات ابولونیوس را یاد آور شده است تا نشان دهد که معجزه مخصوص مسیح نبوده است. ژرم ۶۱ و اگوستین ۶۳، ابولونیوس را بزرگی یاد کنند. سیدنیوس ابولیناریس ۶۴ گوید: شاید هیچ مورخی نتواند در ازمنه قدیم، فیلسوفی بیابد که زندگانی وی معادل زندگانی ابولونیوس باشد. ایمانوس مارسلینوس ۶۵ و اناپیوس ۶۶ هم ابولونیوس را ستوده اند ۶۷. آنچه که از مطالعه حیات ابولونیوس و نیز از افسانه‌هایی که درباره او روایت شده، برمیآید این است که ابولونیوس پیش از آنکه فیلسوف باشد، یک روحانی مجدد و یک حکیم اخلاقی و مذهبی و عارف است. ازینرو با آنکه او شاگرد پیرو فیثاغورس است کمتر نظریاتی اظهار کرده است ۶۸. ابولونیوس برای ریاضیات، نجوم و موسیقی درجه دوم اهمیت را قائل بود در صورتیکه در نظر فیلسوفان دیگر همان مکتب، این سه، علوم اولیه محسوب میشدند.

افکار ابولونیوس

ابولونیوس میکوشید که بتشریفات دینی و معتقدات مذهبی معنی و مفهومی عالتر دهد و اساساً هدف همه فعالیت‌های وی، اقامت ممتدش در معابد، مذاکرات او با روحانیان مالک متعدد و شاید هم مؤلفات وی - که یکی از آنها بقول فیلوستراتوس درباره قربانیها و دیگری درباره پیشگویی بوسیله ستارگان نوشته شده - همین امر بوده است. ابولونیوس - مانند افلاطون - روحانیان را متهم میکند که بوسیله افسانه‌های بیرون از موازین اخلاقی، شعله علاقه بتقوی و تفکر درباره الوهیت را در دل‌های مردم خاموش کرده اند. وی - برای مداوای این درد - میخواست بسنی اولیه نوع بشر دست یابد و برای کسب آنها در میان ملل قدیم مشرق جستجو و تتبع برداخت. از گفته‌هایی که ابولونیوس در مواقع مختلف بر زبان رانده و شاگرد او دامیس آنها را حفظ کرده، چنین برمیآید که او همه کره زمین را بمنزله یک وطن مینگریست و کلیه افراد بشر را همچون برادرانی میدانست که باید همه مواهب طبیعت را بین خود تقسیم کنند. درین امر، او همان اصل زندگی اشتراکی را که مکتب فیثاغوری از آغاز میخواست برحاله عمل درآورد، تعمیم کرده است.

ارزش نظریات وی در خصوص آیین، از نظریات اخلاقی او کمتر نیست. ابولونیوس از خون ریختن و قربانی وحشت داشت. وی قربانیها - حتی هدایای پاک و ساده - را شایسته درگاه خدای متعال نمیدانست و میگفت خدا بهیچ چیز نیازمند نیست. هر شیئی ارضی، در برابر او کثیف نماید؛ تنها کلماتی شایسته حضرت اوست که حتی بخروج از میان دولب احتیاج ندارند ۶۹.

Bythynia. - ۶۰. Hierocles, Discursus Philaethes, c. 305. - ۵۹.

Diocletianus. - ۶۲. Jerome. - ۶۳. Augustine. - ۶۴. Sidonius Apollinaris.

Amnidianus Marcellinus. - ۶۶. Eunapius. - ۶۵.

Maurice A. Canney, in Encyc. Brit: Apollonius of Tyana. - ۶۷.

Philostr. lib. III, c. 30. - ۶۸. Ibid. lib. III, c. 35; lib. IV, c. 30.

در حضرت کریم تنها چه حاجت است؟ (حافظ)

بنا برین بر خلاف آنچه گفته اند نمیتوان قائل شد که چنین مردی بتفأل و پیشگویی بوسیله خون معتقد بوده ، بلکه باید گفت که او بدین اعمال مشرکان معنی و مفهومی عمیق تر و بتعبیر دیگر آنها را بنظریه عرفانی در باب الهام باطنی و کشف فردی اسناد میداده است .



اپولونیوس طوانه

تأثیر اپولونیوس در حیطه فلسفه بمعنی اخص نیز - هر چند کمتر است - مورد اعتناست . وی دو عالم مشرق و مغرب (یونان) را - که تا آنگاه از یکدیگر مجزی بودند - بهم نزدیک کرد . اپولونیوس یکی از نخستین کسانی است که بتحقیق رشته نامرئی سنتی که افراد اقوام دو جهان مزبور را یکدیگر مرتبط میساخت ، پرداخته است . هم او یکی از پیشوایان مکتب عالی اسکندریه است که بنظر میرسد در برابر مسیحیت - که تازه نشأت یافته بود - میخواست همه مساعی عقلانی و فکری عالم قدیم را در یک دستگاه ملخص و منظم سازد . ۷۰

آثار وی

از آثار منسوب باپولونیوس « مراسم و قربانیها » ، یک « وصیت نامه » ، « پیشگوییها » ، « زندگانی فیثاغورس » و « پیشگویی بوسیله

ستارگان » رامیتوان نام برد .

لکر گوید ۷۱ : « برخی از نوشته های اپولونیوس ۷۲ برای خالد بن یزید ترجمه شده . از تحقیق درین ترجمه ها چنین برمی آید که آثار اپولونیوس صاحب الطلسمات را بگبران اتساب میدادند ، چنانکه در فهرست کتب وی در این اندیم آمده است ۷۳ .

کتاب اسرار الطیبه تألیف حکیم بلینوس توسط کشیشی بنام « سرجیوس » ۷۴ - که شناخته نیست - برعربی نقل شده است . دسائی در باب این کتاب - که بما رسیده ۷۵ - تحقیقی فاضلانه در مجاد چهارم « ملاحظات و مستخرجات » منتشر کرده است .

۷۰ - Cf . M . Wundt . Apollonius von Tyana-Prophetic und Mythenbildung, 1906; Dictionnaire des sciences, par une société de professeurs de philosophie . t . 1er . Paris 1843, p . 162-165; Chassang, Le Merveilleux dans l'antiquité, Apollonius de Tyane . 1882; Encyc. Brit : Apollonius of Tyana .

۷۱ - L . Leclerc, Hist . de la Médecine Arabe . t . 1er, p . 214-215 .

۷۲ - منسوب بوی ۷۳ - در الفهرست چاپ مصر ۳۷۳ و ۴۳۴ چنین اتسابی نیامده است .

۷۴ - روسکا در کتاب خویش که ذر شد (س ۱۳۰) این نام را باشکال سرجیس Sergios ، نیاجنوس Theagenos ، تیافنوس Theophanos ، تیافلوس Theophilos خوانده و یاول کراوس در کتاب خود که مذکور افتاد (س ۲۷۲) علاوه بر قرائت های روسکا، سیخیوس را یاد میکند و آنرا مخفف [He]sychius داند و امثله ای برای حذف « های » اول یاد کرده است .

۷۵ - Paris, no 954, British Museum, no 444 .

در کتابخانه اسکوریال ۷۶ بشماره ۹۱۶، کتابی است بنام بولیناس ۷۷ در باب تأثیرات نجومی، که توسط حنین بن اسحق ترجمه شده است، و شاید این ترجمه همان باشد که در کتابخانه پاریس، در زمرة کتب عربی بشماره ۱۰۱۶ بنام بلیانوس ۷۸ ضبط شده و موضوع آنهم احکام نجوم است، و آن ترجمه ایست از نسخه عربی حنین بزبان عبری. «کارادو» ۷۹ در «دائرة المعارف اسلام» ذیل «بلیانوس» علاوه بر رساله احکام نجوم که حنین بن اسحق ترجمه کرده (و در بالا گذشت) نویسد: «یکنوع تاریخ طبیعی بنام «کتاب العلیل» ۸۰ که نسخه آن در لیدن موجود است بدون نسبت داده شده ۸۱ و نیز کتابی در خصوص «اجرام سبعة» حاجی خلیفه ۸۲ بوی اسناد داده است.» ۸۳



از آنچه در ترجمه ابولونیوس طوانه گفته شد، نیک برمیآید که بلیاناس حکیم صاحب - الطلمسمات ۵۵ اوست، اما ابولونیوس مهندس و مؤلف مخروطات بلا شک نمیتواند او باشد. کارادو در دائرة المعارف اسلام نویسد: «بلیانوس گاه درباره ابولونیوس تیانی (طوانه) و گاه در باب ابولونیوس برغه اطلاق شده، اما اصولاً ابولونیوس تیانی در نزد عرب کمتر شناخته شده است و بعکس مؤلفات مهندس بزرگ برغه کاملاً نزد آنان معروف و دقیقاً مورد مطالعه دانشمندان مشرق بوده است.»

ابولونیوس برغه ۸۴ - او مهندس و منجمی یونانی از مردم برغه ۸۵ در پامفیلیه ۸۶ و ساکن اسکندریه بود و ظهور وی در حدود سال ۲۰۵ ق. م و معاصر بطلمیوس چهارم و شاگرد ارشمیدس و یکی از موجدان علوم ریاضی است. این ابولونیوس نخستین کسی است که خواص قطع مخروطات ۸۷ را دریافته است و رساله ای در هشت مقاله از او برجایست (که مقاله هشتم ناقص است).

قول ابن الندیم و قفطی را درباره مؤلفات این ابولونیوس در بخش اول این مقاله آورده ایم ۸۸. در دائرة المعارف اسلام آمده: «رساله مخروطات ابولونیوس هشت کتاب (مقاله) بوده است، آخرین آنها (باستثنای چهار شکل) مفقود شده است. چهار مقاله نخستین توسط هلال بن ابی هلال حمصی (متوفی در حدود سال ۲۷۰ هـ) ترجمه شده، و سه کتاب دیگر و چهار شکل موجود از مقاله هشتم را ثابت بن قره ترجمه کرده است. نسخه ای از این ترجمه ها در اکسفرده موجود است و ترجمه ثابت بن قره در بسیاری از کتابخانه های یافت شود. دانشمندان دیگر عرب مخروطات او را مورد مطالعه قرار داده و اطلاعاتی آورده اند مانند: احمد بن موسی، ابوالفتح

۷۶ - Escorial . ۷۷ - Bulinas . ۷۸ - Balinnus . ۷۹ - B. Carra de Vaux .
 ۸۰ - Liber de Causis ۸۸ - روسکا در کتاب خویش (ص ۱۳۲ بعد) درباره «کتاب بلیانوس - الحکیم فی العلیل» بحث و از آن نقل کرده است . ۸۲ - در کشف الظنون چاپ اول و دوم ضمن نام «کتاب» ها فقط بدکر «کتاب بلیاناس» اکتفا شده . ۸۳ - علاوه بر ماخذ مذکور، رک: دائرة - المعارف اسلام : Bulinnus ۸۴ - Apollonius Pergaeus ۸۵ - Perga ۸۶ - Pamphylia
 ۸۷ - Sectionis croniques ۸۸ - رک: لغت نامه دهخدا : ابولونیوس اسکندرانی .